

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

احمد پوپل
۲۷ جولای ۲۰۱۸

املاي بعضی از لغت ها و پیشنوندها و پسوندها

ای (حرف نداء) همیشه جدا از منادا نوشته می‌شود:

ای خدا، ای که

این، آن جدا از جزء و کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

استثناء: آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا، وانگهی، آنکه، آنها، اینها

آن چنان، آن چنان که، آن را، آن روز، آن زمان، آن سو، آن طور، آن قدر آن کس، آن که مخفف (آن کس که)،
آن کو، آن گونه، آن همه، آن گاه

آن گاه (قید به معنای آن زمان، آن وقت)،

استثناء: آنگاه [قید مرکب به معنی پس از آن، سپس (آنگاه)]

آنگاه [قید مرکب آنجا یعنی (آنگاه) آن هنگام]

همین، همان همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

همین خانه، همین جا، همین طور، همین که، همین گونه،

همان جا، همان کتاب، همان طور، همان که، همان گاه، همان گونه

هم همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. کلمه بسیط گونه باشد:

همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان، همچند، همچنو، همچو، همچون

همپایه، همکیش، همگون، هم خواب، هم خرج، همخوان، همسایه، همزیستی، هموطن

۲. جزء دوم تک‌هجائی باشد:

همدرس، همسنگ، همکار، همراه، همبر (برابر هم پهلوی)، همپا، همتا، همسن، همسنگ، همسو، همفکر، همقد، همکف، همنام، همگام، همنام، همخو، همدرد، همدست، همدرس، همدل، همراه، همراز، همرنگ، همزاد، همسان، همزور، همسال، همسر، همنوع، همو، هموار، هموزن ...

۳ - اگر هم کلمه مرکب مستقل بسازد هم پیشوند اشتراک باشد

کلمه مرکب از ترکیب دو لغت (یا چند لغت) ساخته می شود که داری معنا و مفهوم مستقل از اصل معانی لغات باشد
هم دل - همدل ، هم راه - همراه ، هم درس - همدرس ، هم بازی - همبازی ، هم سایه - همسایه
مانند کلمات تک هجائی و چند هجائی اگر کلمه مستقل از معانی اجزای تشکیل دهنده خود بسازد
هم - بستگی ، همبستگی
در صورتی که پیوسته نویسی «هم» با کلمه بعد از خود موجب دشوارخوانی شود، مانند همصنف، همصوت، همتیم
جدانویسی آن مرجح است.

۴. جزء دوم با مصوت «آ» شروع شود:

همایش، همآورد، هماهنگ، همآره، همانند، همانها، همایش،
در صورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، هم جدا نوشته می شود:
هم آرزو، هم آرماتیک، هم آواز
تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می شود، جدا نوشته می شود:
هم اسم ، هم اتاق ، هم مرز ، هم مسلک ، هم مرز ، هم مذهب ، هم مسلک ، هم منزل ، هم میهن ،
این کلمات جدا نوشته می شود
هم پستی ، هم پیاله ، هم پیمان ، هم پیوند ، هم تراز (طراز صحیح نیست) هم جفت ، هم جنس ، هم جوار ، هم حجره ،
هم خانه ، هم داستان ، هم دوره ، هم رکاب ، هم زبان ، هم زلف ، هم زمان ، هم سخن ، هم سَرا ، هم سفر ، هم سلیقه ،
هم سوگند ، هم شکل ، هم صحبت ، هم صدا ، هم صنف ، هم عرض ، هم عقیده ، هم عصر ، هم عنان ، هم عهد ، هم
قافیه ، هم قدم ، هم قسم ، هم قطار ، هم قلم ، هم کاسه ، هم کلام ، هم گروه ، هم لباس ، هم نژاد ، هم نبرد ، هم نشین
، هم نمک ، هم نوا ،

هیچ همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود:

هیچ یک، هیچ کدام، هیچ کس ، هیچ چیز، هیچ گاه ، هیچ گونه ، هیچ وجه ، هیچ وقت

چه جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر در:

چرا، چگونه، چقدر، چطور، چنان

چه همواره به کلمه پیش از خود می چسبد:

آنچه، چنانچه، خوانچه، کتابچه، ماهیچه، کمانچه، قباله نامچه

را در همه جا جدا از کلمه پیش از خود نوشته می شود، مگر در موارد زیر:

چرا در معنای «برای چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش منفی.

که جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود:

چنان که، آن که (= آن‌کسی‌که)

استثناء: بلکه، آنکه، اینکه

ابن، حذف یا حفظ همزه این کلمه، وقتی که بین دو علم (اسم خاص اشخاص) واقع شود، هر دو صحیح است:

محمّد بن زکریای رازی/ محمّد بن زکریای رازی؛ حسین بن عبدالله بن سینا/ حسین بن عبدالله بن سینا

به در موارد زیر پیوسته نوشته می‌شود:

۱. هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید (همان‌که اصطلاحاً «بای زینت» یا «بای تأکید» خوانده می‌شود):

بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن (= گفتن)

۲. به صورت بدین، بدان، بدو، بدیشان به کار رود.

۳. هرگاه صفت بسازد:

بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام، بهوش، بسزا...

به در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:

به برادرت گفتم، به سر بردن، به آواز بلند، به سختی، منزل به منزل، به نام خدا

تبصره: حرف «به» که در آغاز بعضی از ترکیب‌های عربی می‌آید از نوع حرف اضافه فارسی نیست و پیوسته به

کلمه بعد نوشته می‌شود:

بعینه، بنفسه، برأی‌العین، بشخصه، مابازاء، بذاته

- هرگاه «بای زینت»، «نون نفی»، «میم نهی» بر سر افعالی که با الف مفتوح یا مضموم آغاز می‌شوند (مانند انداختن،

افتادن، افکندن) بیاید، «الف» در نوشتن حذف می‌شود:

بینداز، نیفتاد، میفکن

بی همیشه جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از

معانی اجزای آن نباشد:

بیهوده، ببخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا

می و همی همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

می رود، می افکند، همی گوید

تر و ترین همواره جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

بهتر، مهتر، کهنتر، بیشتر، کمتر

ها (نشانه جمع) در ترکیب با کلمات به هر دو صورت (پیوسته و جدا) صحیح می‌باشد:

کتابها/ کتاب‌ها، باغها/ باغ‌ها، چاهها/ چاه‌ها، کوهها/ کوه‌ها، گرهها/ گره‌ها

اما در موارد زیر جدانویسی الزامی است:

۱. هرگاه ها بعد از کلمه‌های بیگانه نامأنوس به کار رود:

مرکانتیلیست‌ها، پزیتیویست‌ها، فرمالیست‌ها

۲. هنگامی که بخواهیم اصل کلمه را برای آموزش یا برای برجسته‌سازی مشخص کنیم:

کتاب‌ها، باغ‌ها، متمدن‌ها، افغانی‌ها

۳. هرگاه کلمه پردندانه (بیش از سه دندانه) شود و یا به «ط» و «ظ» ختم شود:

پیش بینی‌ها، حساسیت‌ها، استنباط‌ها، تَلَفُظ‌ها

۴. هرگاه جمع اسامی خاص مدّ نظر باشد:

سعدی‌ها، فردوسی‌ها، مولوی‌ها، هدایت‌ها

۵. کلمه به های غیرملفوظ ختم شود:

مانند: میوه‌ها، خانه‌ها

یا به های ملفوظ ختم شود که حرف ماقبل از آن حرف متّصل باشد:

سفیه‌ها، فقیه‌ها، پیه‌ها، به‌ها

۱. گونه قدیمی حرف اضافه «به» فقط در کلمات بدین، بدان، بدو، بدیشان باقی مانده است.

کم همواره از کلمه بعد از خود جدا نوشته می شود

استثناء: کمبود، کمتر، کم‌رنگ، کمیاب